

# بررسی در زمانی هویت بخشی به حیوانات در ادبیات فارسی

نگارش:

عبداله میرزائی

دانشجوی دکتری زبان شناسی همگانی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

[Mirzaieabdollah@yahoo.com](mailto:Mirzaieabdollah@yahoo.com)

09192425920

## چکیده

در این مقاله سعی شده است به دلایل استفاده از نام حیوانات جهت اشاره به انسان ها، پرداخته شود. پژوهشگر با بکارگیری رویکرد در زمانی به بررسی این موضوع در ادبیات فارسی کهن و نو پرداخته است. لذا سعی شده است تا مثال هایی از ادبیات کهن مانند: کلیله و دمنه، منطق الطیر، مرزبان نامه و ادبیات جدید مانند: آثار جمال زاده، هدایت، قصه های کودکان و نوجوانان، کارتون های تلویزیونی و غیره بیان شود. با توجه به نتایج به دست آمده پژوهشگر به این نتیجه رسیده است که در ادبیات کهن با دادن هویت انسانی به حیوانات، نویسندگان در صدد بوده اند تا از حیوانات به عنوان نماد و نشانه جهت بیان اوضاع اجتماعی و سیاسی جامعه استفاده نمایند و همچنین تبعیض بین زن و مرد را با دادن القاب مردانه به حیوانات قدرتمند و القاب زنانه به حیوانات ضعیف نشان دهند. ولی در ادبیات نو که بیشتر در قصه های کودکان این مقوله به چشم می خورد، بیشتر جنبه تفننی و سرگرمی دارد تا بیان اوضاع اجتماعی-سیاسی و القاب زنانه بیشتر به حیواناتی داده شده است که روحی لطیف تر و مهربان تر دارند و القاب مردانه به حیواناتی داده شده است که خشن تر هستند.

**واژه های کلیدی:** ادبیات نو و کهن، تبعیض جنسیتی، هویت بخشی و کارتون های تلویزیونی

## 1- مقدمه

داستان های حیوانات پیش از همه محصول رابطه ی نزدیک انسان با حیوانات است. به درستی نمی توان نخستین داستان ها، یا نخستین کسانی که به داستان حیوانات پرداخته اند را نشان داد؛ چرا که بسیاری از داستان هایی که حیوانات در آن نقش دارند، در قلمرو ادبیات شفاهی بوده و سینه به سینه و دهان به دهان گشته و به روزگار ما رسیده است. اما می توان سرآغاز بسیاری از داستان های حیوانات را در دوران اساطیری ملل جستجو کرد، که شکل ابتدایی و نخستین خود را در قالب اساطیر نشان داده است. در داستان های اسطوره ای، حیوانات حضوری جدی دارند. برخی از حیوانات یاری کننده ی قهرمانان انسانی اند، و برخی از حیوانات دشمن و مزاحم و مانع قهرمانان محبوب اساطیری هستند. حیوانات در اساطیر و ادیان گاه مبارک و مقدس، و گاه شوم و منفور دانسته شده اند. مثل مار که در اعتقاد ادیان یهودیت و مسیحیت و اسلام، شریک شیطان شمرده شده است. در تورات و انجیل داستان ها و ماجراهای بسیاری وجود دارد که حیوانات در آن ها نقش دارند. در قرآن کریم نیز حیوانات زیادی موضوع سخن قرار گرفته اند، و برخی حیوانات همراه پیامبران و بزرگان دین بوده اند؛ مثل ماجرای حضرت سلیمان و سخن گفتنش با حیوانات، و نیز ماجراهایی چون شتر صالح (هود: 61، 62، 66، 89)، سگ اصحاب کهف (کهف: 22) و ابابیل (فیل: 3). ضمن آنکه برخی از سور قرآنی به نام های حیوانات نامیده شده است. نظیر سوره ی بقره، سوره ی نمل، سوره ی عنکبوت و سوره ی فیل، که این مسأله بیانگر جایگاه حیوانات در ادیان الهی و فرهنگ بشر است.

اما نقش آفرینی حیوانات در آثار ادبی خود پیشینه و بستری طولانی و متنوع دارد. حضور حیوانات و اشیاء در داستان شیوه و شگردی است که تازگی و توانایی دیگری به اثر می بخشد، دست کم از حضور تکراری و یکنواخت شخصیت های انسانی می کاهد، و اثر را دارای جذابیت و تنوع می کند. بهره گیری از جانوران در آثار ادبی، و شخصیت بخشیدن به آن ها، پیشینه ی درازی دارد، و در قلمرو ادبیات نوعی از ادبیات را به وجود آورده است، که از آن با عنوان «فابل»<sup>1</sup> یاد کرده اند. در تعریف این نوع ادبی گفته اند:

«فابل در اصطلاح ادبی، داستان ساده و کوتاهی است که معمولاً شخصیت های آن حیوانات هستند، و هدف آن آموختن و تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی یا معنوی است. البته فابل گاهی نیز برای داستان های

1.fable

مربوط به موجودات طبیعی، و یا وقایع خارق العاده و افسانه‌ها و اسطوره‌های جهانی و داستان‌های دروغین و ساختگی به کار می‌رود. شخصیت‌ها در فابل اغلب حیواناتند، اما گاهی اشیاء بی‌جان، موجودات انسانی یا خدایان هم در آن حضور دارند. « ( تقوی، 1376: 92)

حکایت‌های حیوانات همیشه برای مردمان هر نسل و روزگاری، از کشش و جذابیت خاصی برخوردار بوده است؛ چه برای کودکان و مردمان عامی، و چه برای بزرگان و فرزنانگان. حتی بسیاری از نویسندگان و عارفان و فیلسوفان، برای تعلیم و تبلیغ اندیشه‌ها و عقاید خود، از زبان حیوانات و به گونه‌ی تمثیلی بهره برده‌اند. معمولاً حیوانات با ویژگی‌های انسان‌ها مقایسه و سنجیده می‌شوند؛ برخی خیراندیش و نیکو کردارند، و گروهی خوی اهریمنی و شراندیشی دارند. «مثلاً قهرمانان به صورت حیواناتی با خصوصیات ممتاز و پسندیده یا شخصیت‌های شیرین با صفاتی ناپسند و نکوهیده ظاهر می‌شوند. دوشیزگان معصوم به هیأت کبوتر و قو و خرگوش در می‌آیند، و آدم‌های بی‌رحم و حيله‌گر به شکل لاشخور و روباه و گرگ»

( میر صادقی، 1379: 84)

ابن سینا اولین کسی است که معراج را از عالم خاک به سوی افلاک، در رمز پرواز مرغ و عبور او از کوه‌ها بیان کرده است. قصیده‌ی عینیه وی نفس را به صورت مرغی نشان می‌دهد که از عالم علوی، هبوط کرده و گرفتار دام تن گردیده است ( پورنامداریان، 1375: 413). بوعلی سینا همچنین در رساله‌ی الطیر ( نگارش 412 ق. به عربی) خود که یادآور داستان کبوتران «باب الحمامه المطومه» در کلیله و دمنه است، جماعتی از صیادان را نشان می‌دهد که به صحرا می‌آیند، دام می‌گستردند و قهرمانان داستان که خود مرغی است در میان گله‌ی مرغان، روی به دامگاه می‌آورد و با سایر مرغان، اسیر دام می‌گردند. ( همان: 413). بعد از ابن سینا باید از رساله‌ی الطیر امام محمد غزالی ( وفات 505 ق. ) یاد کرد، که سفر روحانی عارف را به صورت داستان مرغانی که در جست‌وجوی غنقا سفر آغاز می‌کنند، به رشته‌ی تحریر در آورده است. غزالی این رساله را به عربی نوشته است؛ اما برادرش، یعنی خواجه احمد غزالی ( 520 ق. ) از این رساله، ترجمه‌ای به فارسی به دست داده که با عنوان رساله‌ی طیر معروف است، و بارها چاپ شده است. متن فارسی این رساله که درباره‌ی پرندگان است، مفصل‌تر و شیواتر از متن عربی آن است. اثر دیگر لغت موران از شیخ شهاب‌الدین سهروردی ( 549-587 ) است، که با ده داستان نمادین که پاره‌ای از آن‌ها از زبان شخصیت‌هایی چون لاک پشت، هدهد، خفاش و پرندگان دیگر گفته می‌شوند ( مدرس صادقی، 1375: 41). سهروردی در رساله‌ی عقل سرخ خود نیز از پرنده به عنوان رمز روح و نفس ناطقه‌ی انسان استفاده کرده است. در داستان عقل سرخ پرنده‌ای که اسیر دام می‌گردد، باز است ( پور نامداریان، 1375: 424).

هدف از نگارش این مقاله پیدا کردن پاسخی مناسب به سوالات زیر بوده است:

الف- استفاده از حیوانات و هویت دادن به آن‌ها در ادبیات کهن فارسی به چه منظوری بوده است؟

ب- در ادبیات نو نویسندگان از دادن هویت اجتماعی به حیوانات چه هدفی را دنبال می‌کنند؟

از نظر پژوهشگر پاسخ فرضی به سوالات فوق می‌تواند چنین باشد:

الف- در ادبیات کهن فارسی استفاده از حیوانات در داستان‌ها و اشعار به خاطر انتقاد از وضعیت نابه سامان جامعه بوده که نویسندگان با توجه به خفگان سیاسی جامعه نمی‌توانستند مستقیماً مصائب و مشکلات اجتماع را بیان نمایند.

ب- در ادبیات نو بیشتر زیبایی‌شناختی در نظر نویسندگان و شاعران بوده است و حتی در مواقعی آنان سعی کرده‌اند با خلق حضور حیوانات در آثار خود، نشاط را به جامعه آورده و موجب شادی مردم بخصوص کودکان شده‌اند.

ضرورت نگارش این تحقیق بررسی تاریخی و در زمانی ادبیات فارسی بوده است. در این تحقیق سعی شده است تا اهداف شاعران، داستان‌سرایان و نویسندگان در بکارگیری حیوانات در آثارشان و هویت دادن به آن‌ها شناسایی شود.

## 2- پیشینه تحقیق

2-1 - کاظم موسوی (1390): در مقاله «نمود اساطیری حیوان و صورت‌های پیکرگردانی شده‌ی آن در شاهنامه»، شاهنامه‌آینه‌ی تمام‌نمای فرهنگ کهن ایرانیان است. بازتاب بسیاری از باورهای کهن در این اثر ارزش ویژه‌ای به آن می‌بخشد. بسیاری از داستان‌های شاهنامه بازتابی از روایات اساطیری است؛ و شخصیت‌ها و حیواناتی که در این داستان‌ها ست صورت‌دگرگون شده‌ی ایزدان اساطیری هستند. مقایسه‌ی ویژگی‌های مشترک و عملکرد فرا انسانی شخصیت‌ها و حیوانات شاهنامه با ایزدان و شخصیت‌های اساطیری مبین این موضوع است. وی در این پژوهش ضمن مقایسه‌ی نمود حیوانات در اساطیر ایرانی و غیر ایرانی به بررسی تقدس و نقش ماورای و ایزدگونگی آن‌ها در شاهنامه پرداخته است. بسیاری از ابیات شاهنامه بیانگر آن است که ایرانیان به دلیل برخورداری از روح کمال جوی و دریافت نیروی ماورای در پدیده‌های طبیعی و حیوانات، در ادواری به پرستش آن‌ها روی آورده‌اند که این موضوع خود نشان‌دهنده‌ی دیرینگی فرهنگ و تمدن ایران و پیدایش ابتدای دین در میان اقوام ایرانیست.

**2-2- نسرین علی اکبری (1391):** در مقاله «بررسی نشانه شناسانه ی کنش انسانی حیوانات در مرزبان نامه»، مرزبان نامه یکی از آثار تمثیلی زبان فارسی است که فابل نامیده می شود. در این اثر حیوانات کنشگران اصلی حکایت ها هستند. حیوانات این اثر به گونه ای شخصیت پردازی شده اند که اعمال و رفتارهای انسانی از آن ها سر می زند. در این مقاله کوشش شده است میان کنش های حیوانی و انسانی حیوانات بر اساس علم نشانه شناسی تمایز قائل شده و رفتارهای انسان گون تبیین گردد. بر این اساس حیوانات کنشگر دسته بندی شده اند و منش های آن ها نیز رده بندی شده است. تمهیدات نشانگر که سبب ساز جنبه ی انسانی این حیوانات شده است توضیح و سپس رفتارهای انسانی حیوانات تشریح شده است. به عنوان مثال در دو حکایت از باب دوم و ششم آهو حضور دارد، در این دو داستان برآیند نشانه های متن این است که کنش آهو انسان گون است و او در حکایت اول نقش انسانی را که گرفتار است و یاریگری ندارد بازی می کند. و در دومی نقش انسانی که نماینده ی یکی از اقشار جامعه است و اهل گفتگو و مفاوضه است را ایفا می کند.

**2-3- محمد رضا رهبریان (1391):** در مقاله «نگاهی به نقش حیوانات در ادبیات» به بررسی متون کهن و جدید فارسی پرداخته است و مثال هایی هم از ادبیات کهن و هم ادبیات نو به دست داده است که به دلایل استفاده شاعران و داستان سرایان از حیوانات در آثارشان می پردازد به عقیده رهبریان در ادبیات از حیوانات به عنوان سبیل جهت انتقاد از وضعیت نا به سامان جامعه استفاده می شده است. چرا که نویسندگان به دلایل خفقان سیاسی جامعه قدرت بیان انتقادات خود از حکومت حاکمه را نداشتند ولی با این شیوه توانسته اند گوشه ای از ناعدالتی های جامعه را به گوش جهانیان برسانند.

**2-4- مهدی ناصحی (1392):** در مقاله «گونه های ترسیم حیوانات در دیوان رودکی» به نتایج زیر رسیده است. تمام داستان های طبیعت و بخش عمده ای از طبیعت یعنی حیوانات در میان ملل با سابقه، نظیر هند، یونان و ایران یافته می شود این ملت ها به دلیل ریشه داشتن تحولات ذهنی خود، بیش از جوامع نوپا به طبیعت به عنوان عمق هستی، نگریسته اند. اولین اسطوره ها، اولین داستان های مربوط به طبیعت و به طور اخص اولین جلوه های تشخیص بخشی به جانوران نیز به آنان تعلق دارد. انگیزه پرداختن به این موضوع هم در این مقاله، نشان دادن خلاقیت شعری رودکی در ترسیم چهره حیوانات است. تا کنون مجموعه مدوتی که موقعیت جانوران را در شعر و ادب و فرهنگ فارسی، یک جا تکمیل و عرضه کند، فراهم نیامده است. به ویژه این که پژوهشی هم در توصیف حیوانات دیوان رودکی صورت نگرفته است.

### 3 - روش تحقیق:

این پژوهش نظری و بنیادی است که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است و روش جمع آوری اطلاعات، میدانی و کتابخانه ای می باشد.

نگارنده سعی بر آن خواهد داشت تا از طریق توصیفی، بدون تجویز و صرفاً بر حسب داده های موجود مانند نوشتار به مطالعه دلایل در زمانی هویت بخشی به حیوانات در ادبیات کهن و نو بپردازد.

در این تحقیق سعی بر آن است تا با جمع آوری داده ها از متون مختلف فارسی نسبت به بررسی فرضیات اقدام شود.

منظور از روش توصیفی و تحلیلی این است که معلوم شود بر اساس داده های موجود، در ادبیات کهن و نو دلایل هویت بخشی به حیوانات چه بوده است.

ابزار تحلیل این مطالعه تعداد 6 اثر از آثار نویسندگان کهن و 10 اثر از آثار ادبیات نو فارسی می باشد.

### 4-نگاهی به نقش حیوانات در ادبیات کهن پارسی

#### 4-1- کلیله و دمنه

در تبیین این موضوع باید از ارزشمندترین اثر فابل نویسی در زبان فارسی، یعنی کلیله و دمنه نوشته ی نصرالله منشی ( ترجمه ی کتاب 536 الی 539 ق.) یاد کرد، که از ترجمه ی عربی عبدالله بن مقفع، که خود برگردان عربی از ترجمه ی پهلوی اثری در اصل هندی بود، به فارسی نقل شده است. این اثر که مجموعه ی داستان هایی از زبان جانوران است، به راستی از شاهکارهای فابل نویسی در ادبیات فارسی محسوب می گردد، و در تعلیم آموزه های اخلاقی، اندرزی و حکیمانه بی تردید در جامعه ی زبان فارسی برد و نفوذ فراوانی داشته است، و بعدها با اشکال گوناگون، به نظم و نثر در ادب فارسی روایت شده است.

«باب البوم والغربان» کلیله و دمنه بی گمان منبع و مأخذ بسیاری از آثاری چون منطق الطیر عطار و قصیده ی خاقانی بوده است. آنچه در کلیله و دمنه آمده مربوط به جمع شدن مرغان و اتفاق کردن آن ها بر اینکه بوم را بر خویشان امیر گردانند است، که در این زمان کلاغی سر می رسد و با بیان زشتی ها و بی کفایتی

بوم، پرندگان را از برگزیدن وی به امیری منصرف می کند، و همین امر باعث کدورت و کینه ورزی بین زاغ و بوم می شود ( نصرالله منشی، 1374: 201). از آن پس می توان به رساله ی هفدهم از جسمانیات بخش طبیعیات رسائل اخوال الصفا اشاره کرد. طرح داستان رسائل اخوان الصفا چنین است: گروهی از حیوانات از ظلم انسان، به پادشاه بنی جن، «بیراست» شکایت می برند، و او فرمان می دهد تا حیوانات و طیور جمع شوند و درحضور او مباحثه کنند. وقتی رسول ملک به پادشاه طیور- که شاه مرغ است - می رسد، ندا می دهد تا اصناف طیور بر و بحر نزد او جمع شوند. آنگاه که نوبت سخن به طوطی می رسد، او خود را به عنوان زعیم گروهی از پرندگان معرفی کرده، و سپس می گوید که پادشاه آن ها عنقای مغرب است. پادشاه از جایگاه او سؤال می کند، و طوطی جواب می دهد که جایگاه او بر کوه های بزرگ و بلند در جزیره ی بحر اخضر است، که دست هیچ کس به آنجا نرسیده است. سپس طوطی وصف جزیره و عنقا را برای ملک می گوید ( پور نامداریان 1375: 423).

#### 4-2- منطق الطیر عطار نیشاپوری

بی گمان پر آوازه ترین اثر منظومی که پرندگان در آن نقشی اصلی دارند، منطق الطیر عطار ( 618-540 ق.) است، که در آن از زبان پرندگان، حکایتی تمثیلی و نمادین نقل می شود. پرندگانی که می بایست برای دست یابی به سیمرغ، با رهبری و راهنمایی هدهد، از هفت وادی پر مخاطره گذر کنند. به نظر می رسد اجتماع مرغان و قشقرقشان بر سر کاری، در ادبیات فارسی نمونه ها و نشانه های دیگری نیز داشته باشد، و با شباهت ها و تفاوت هایی روایت شده که درنوع خود جالب و خواندنی است، و اوج آن در منطق الطیر عطار است، که آن هم برگرفته از آثار پیش از خود است. اما نمونه های دیگری از اجتماع مرغان چنین است: رساله الطیر امام محمد غزالی، اثری که بر محور اجتماع مرغان و اتفاق آنان برای یافتن پادشاهی عنقا است. خاقانی شروانی نیز قصیده ای دارد به نام «منطق الطیر» که دارای دو مطلع است؛ مطلع اول آن وصف صبح و مدح کعبه است، و در مطلع دوم مجلس باغ را توصیف می کند، که در آن گروهی مرغان گرد هم می آیند و هر یک گلی و درختی را می ستایند، و برگرفته ی خود دلیل می آورند و پس از آن عنقا را به داوری برمی گزینند. عنقا می گوید: اگر چه همه ی گل ها زیبا و دلکشند، اما گل سرخ، نغزتر و نیکوتر از همه است، زیرا روی مصطفی است (خاقانی، 1377: 41-45).

البته عطار غیر از منطق الطیر، در آثار دیگر خود نظیر الهی نامه و اسرار نامه و مصیبت نامه نیز حکایاتی نغز درباره ی آهوان، باز، زنبور، گرگ، کرم، شتر و موش و صعوه دارد، که هر کدام بیانگر رموزی از رموز عرفانی است. کاوه گوهرین در مقاله ای با عنوان «نقش وحوش و جانداران در آیینی ی کلام عطار» توجه



ویژه ی این شاعر عارف به حیوانات را مورد بررسی قرار داده است؛ به ویژه آنکه عطار کشتن حیوانات را نکوهش کرده است ( گوه‌رین، 1374 : 53 و 55).

#### 4-3- درخت آسوریک

داستان درخت آسوریک یکی از کهن‌ترین نمونه‌ها است که حکایت نبرد کلامی میان یک بز و درخت نخل است که پژوهشگران معتقدند در دوره اشکانی نوشته شده است. دکتر «منیژه عبداللهی»، استاد ادبیات فارسی دانشگاه شیراز و نویسنده و گردآورنده فرهنگ جانوران در ادب فارسی در خصوص سابقه ورود جانوران به ادبیات فارسی معتقد است: «ورود جانوران به ادبیات به زمانی باز می‌گردد که تخیل وارد ادبیات شد. یعنی دورانی که انسان برای بیان آنچه که درک درستی نسبت به آن نداشت از تخیل خود استفاده کرد و جانوران را با همان هیات اما با زبان انسانی به ادبیات آورد.»

این مرحله همزمان است با مرحله فتیشیسم (جانورپرستی) دورانی که انسان از حیوانات به عنوان مظاهر پرستش استفاده می‌کند: «فتیشیسم بر ورود حیوانات تاثیر داشته است. در این دوران برای جانوران نقش‌های تثبیت شده خلق می‌شود.»

در واقع شاعران و ادیبان حیوانات را نماد و نشانه یک شخصیت می‌دانستند و آن را تعریف می‌کردند: «جانوران همین که وارد حوزه انسانی می‌شدند از درون جهان تازه ایجاد می‌کردند به طور مثال عنکبوت را به دلیل مرموزی قیافه داننده رازهای علم غیب می‌دانستند و حکم ساحر یا پیش‌گو داشتند. استفاده از حیوانات برای ایجاد جهان از درون به بیرون است و بازگشت از عمق رویا به واقعیت.

به همین علت است که شما می‌بینید که در برخی متون نقش این جانوران دگرگون می‌شود و موجودی مانند عنکبوت تبدیل به موجودی می‌شود که علیرغم نظم هندسی تارهایش به دلیل سستی که بر بی‌اعتباری جهان صحنه می‌گذارد و خانه عنکبوت خانه سست و بی‌بنیان یا همان جهان فانی می‌شود.»

#### 4-4- مرزبان نامه

در باب اول مرزبان‌نامه حکایتی است که در آن سخن درباره رهایی ظلم و درازدستی به مدد زیرکی و هوشیاری است. زیرکی و هوشیاری جانمایه سیاست بوده و می‌تواند رهنمون تعامل جامعه و حکومت باشد و مانع تعاول قدرتمندان مستبد شود.

باری، حکایت در مرزبان‌نامه چنین آمده است که داستان گرگ خیانگر دوست با شبان ملک‌زاده گفت: شنیدم که وقتی گرگی در بیشه‌ای وطن داشت. روزی در حوالی شکارگاهی که خواستگاه

رزق او بود بسیار بگشت و از هر سو کمند طلب می انداخت تا باشد که صیدی در کمند افکند، میسر نگشت و آن روز شبانی به نزدیک موطن او گوسفند گله‌ای می چرانید. گرگ از دور نظاره می کرد. چنانکه گرگ گلوی گوسفند گیرد، غصه حمایت شبان، گلوی گرگ گرفته بود و از گله به جز گرد نصیب دیده خود نمی یافت، دندان نیاز می افشرد و می گفت: آرای ماء و بی عطش شدید و لکن لا سبیل الی الورودزین نادره تر کجا بود هرگز حال من تشنه و پیش من روان آب زلال شبانگاه که شبان گله را از دشت سوی خانه راند، بزغاله‌ای باز پس ماند. گرگ را چشم بر بزغاله افتاد چون خود را در انیاب نوایب اسیر یافت، دانست که وجه خلاص جز به لطف احتیال نتوان اندیشید. در حال گرگ را به قدم تجاسر استقبال کرد و مکرها لأبطلاً در پیش رفت و گفت مرا شبان به نزدیک تو فرستاد و می گوید امروز از تو به ما هیچ رنجی نرسید و از گله ما عادت گرگ ربایی خود به جای بگذاشتی. اینک ثمره آن نیکو سیرتی و نیک سگالی و آزرمی که ما را داشتی مار کَلْحَمِ عَلَی وَصَمِ مَهْیَا و معنا پیش چشم مرا و تو نهاد و فرمود که من ساز غنا برکشم و سمعی خوش آغاز نهم تا تو را از عزت و نشان آن به وقت خوردن من غذایی که به کار بری، ذوق را موافق تر آید و طبع را بهتر سازد. گرگ در جوال عشوه بزغاله رفت و گفتاروار بسته گفتار او شد، فرمود که چنان کند. بزغاله در پرده در واقعه و سوز حادثه ناله سینه را آهنگ چنان بلند کرد که صدای آن از کوهسار به گوش شبان افتاد، چوبدستی محکم برگرفت، چون باد به سر گرگ دوید و آتش در خرمن تمنای او زد. گرگ از آنجایی که به گوشه‌ای گریخت و خائباً خاسراً سر بر زانوی تفکر نهاد که این چه امحال جاهلانه و اهمال کاهلانه بود که من ورزیدم. نای و چنگی که گربه گان دارند / موش را خود برقص نگذارندمن چرا بگذاشتم که بزغاله مرا برگیرد تا بدمد که چنین گزافی عنان نهمت از دست من فروگرفت و دیو عزیمت مرا در شیشه کرد. پدر من چون طعمه‌ای بیافتی و به کهنه فراز رسیدی او را مطربان خوش زخمه و مغنیان غزلسرای از کجا بودندی که پیش او الحان خوش سرآیندی و بر سر خوان غزل‌های خسروانه زدندی. و عاجز الرای مِضِیاعٌ لِفِرْصَه حتی إِذَا فَاتَ أَمْرٌ غَاتَبَ الْقَدْرَاءَ تَفَاوُتِ این دو حکایت آن است که در اینجا به جای شیر، گرگ صاحب قدرت است و این قدرت با درندگی همراه است و باز هم در مقابل این نماد قدرت، طبقه ضعیف و فرودست مشاهده می شود. بزغاله‌ای که در داستان تنها و بدون حمایت چوپان رها شده می تواند گزارش از احوال همین طبقه اجتماعی باشد که گاه از حمایت‌های لازم حکومت محروم بوده و به دست گرگ صفتان گرفتار می آیند. براساس فن تحلیل داستان در اینجا بزغاله نماینده قشر ضعیف و قهرمان و گرگ نماد طبقه زورمند و به عنوان ضدقهرمان قلمداد می شود.

نخستین گره داستان اینجا است که بزغاله از گله جدا می ماند و گرفتار گرگ می شود. در تحلیل این گره می توان گفت گله نماد وحدت و یکپارچگی اجتماعی است و گسست آن زمینه را برای تجاوز و

درازدستی زورمندان فراخ‌تر می‌کند. گرگ آهنگ بزغاله می‌کند و بزغاله او را می‌فریبد که چوپان مرا پیش تو فرستاد که سازی نوازم تا تو هنگام خوردن من لذت بیشتری ببری.

اینجا باز هم با عقل و هوش فرودستان جامعه مواجه می‌شویم که گاه به واسطه آن از تنگناهای ظلم و فشار می‌رهند. نکته دیگری حرص و طمع‌ورزی و در عین حال جهت صاحبان قدرت است. گرگ طمع می‌ورزد و فریفته نحن بزغاله می‌شود و از او می‌خواهد نوایی ساز کند تا لذت درندگی برایش دو چندان شود، بزغاله نیز چنین می‌کند و با این ترفند چوپان را به یاری می‌طلبد. اینجا شخصیت اصلی یعنی گرگ و بزغاله و چوپان به هم متصل می‌شوند و داستان به اوج خود می‌رسد و به اصطلاح گره‌های آن گشوده می‌شود و چوپان از راه سیده و سزای به عمگی گرگ را می‌دهد.

#### 4-5- موش و گربه

موش و گربه دیگر اثری است که در آن دو حیوان به شکل نمادین و تمثیلی، در قصیده‌ی انتقادی عبید زاکانی ( قرن هشتم) نقش آفرینی می‌کنند، و بی شک از عالی‌ترین آثار طنزآمیز و عمیق فارسی است، و مصداق «الگوری» در ادبیات غرب به حساب می‌آید. آثار دیگری چون حدیقه‌ی سنایی، پنج‌گنج نظامی، بوستان و گلستان سعدی، بهارستان جامی، روضه‌ی خلد مجد خوافی و جوامع‌الحکایات محمد عوفی نیز به شکل پراکنده از زبان حیوانات، حکایاتی در خود دارند.

#### 4-6- جلال‌الدین محمد بلخی

اثر دیگر مثنوی معنوی جلال‌الدین محمد بلخی ( 672- 604 ق. ) است، که در آن به پیروی از مثنوی‌های عطار و سنایی، و به شیوه‌ی حکایت در حکایت به بیان تمثیلی تعالیم عرفانی پرداخته شده است. جانوران در بسیاری از این حکایت‌های تمثیلی حضور دارند، که حکایت‌های «طوطی و بازگان»، «شیر و نخچیران»، «قصه‌ی «روباه و شیر و خر»، «قصه‌ی «آهو در آخور خران» و «قصه‌ی «شکار رفتن شیر و گرگ و روباه» از آن‌ها هستند. البته بسیاری از این حکایت‌ها را مولوی از آثار گذشتگان، چون کلیله و دمنه به نظم کشیده شده و با برداشت‌ها و شیوه‌های بیانی و تمثیلی خود، آن‌ها را به نقل کرده است.

#### 5- نقش حیوانات در ادبیات پارسی نو

5-1- نیما- در حوزه‌ی شعر نو نیز، نیما یوشیج در اشعاری همچون «مرغ آمین»، «ققنوس» و «غراب» و مهدی اخوان ثالث در شعرهای «قصه‌ی شهر سنگستان»، «سگ‌ها و گرگ‌ها» و «بازگشت زاغان» از حضور حیوانات استفاده کرده‌اند.

نیما یوشیج در داستان هایی چون «تو کایی در قفس» و «آهو و پرنده ها»، از عناصر فابل به خوبی بهره برده است. نیما در این داستان ها از ورای داستان های حیوانات، پیام تمثیلی خود را ارائه می کند. چند حیوان در جست وجوی آب، غازی را به راهنمایی برمی گزینند؛ اما غاز به مرور، مقام سرکردگی می یابد و حاصل تلاش های همگان را از آن خود می کند. عاقبت غاز سفیدی از راه می رسد، و با نویدهایش حیوانات را به تفکر بر می انگیزد ( میر عابدینی، 1377: 84)

## 5-2-صادق هدایت

صادق هدایت در «قضیه ی خر دجال»، با بهره گیری از عناصر فابل به هجو و طنزی جاندار از دستگاه حکومت دست می زند: «استعمار درصدد دستیابی به گوهر شب چراغ (نفت) کشور "خر در چمن"، عامل خود را به شکل روباه دم بریده روانه ی آنجا می کند، و او "دوالپای لندهور" (رضا شاه) را به جان گوسفندها می اندازد. در این افسانه، مردم گوسپندانی هستند که برای این که از "چریدن علف" نیفتند، سلطه ی هر قلدری را می پذیرند» (همان: 178)

صادق هدایت، نابغه ی نیاب و بی نظیر ادبیات ایران که ذاتاً حیوان دوست و احساساتی بود، در یکی از بهترین داستان های خود، یعنی «سگ ولگرد» به روانکاوای سگ می پردازد، و ترحم و دلسوزی خود را به این حیوان نشان می دهد. «پات» سگی از نژاد اصیل، هنگامی که به دنبال ارضای تمایلات جنسی خود می رود، گم می شود، و هر کسی به نوعی حیوان را می آزارد. در واقع صادق هدایت از زوایه ی دید یک سگ به زندگی سگی آدم ها می نگرد. این داستان در بخش دیگری از این نوشته، با داستان «انتری که طوطیش مرده بود» مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

## 5-3-جمال زاده

محمد علی جمال زاده نیز داستانی در مایه ی طنز دارد، با عنوان «گفت و گوی دو پشه»، که در آن با به کار بردن شیوه ی داستان حیوانات، غرور و خود پسندی بشر را به انتقاد گرفته است: « دو پشه یکی لامذهب و دیگری خداپرست است، سخت مشغول بحث در مقولات و درباره ی خدا و کاینات هستند، که پشه ی سوم و عارف مسلکی وارد بحث می شود. حضرات پشه ها نزدیک است همدیگر را بزنند، که ناگهان ادرار کردن یک موش هر سه تا را چون سیلی در میان می گیرد و غرقشان می کند. در آخر داستان می بینیم که جسد آن ها غذای دو مورچه شده، که ضمن خوردن آن ها، حرف های گنده گنده می زنند و بحثی در مابعدالطبیعه می کنند. » ( جوادی، 1384:297)

## 5-4- احسان طبری

احسان طبری در داستان «شغال شاه»، از زبان حیوانات اختناق حاکم بر ایران در عصر رضا شاه را بازگو کرده است. زمان داستان، ماقبل تاریخ، و مکان آن سرزمین فرضی «ماکیان» است: «ماکیان طعمه ی شغال شاهند، تا اینکه روزی کلاغی زخمی از سرزمین همسایه به سرزمین آن ها می آید، و در خانه ی خروسی شجاع ساکن می شود. کلاغ پس از بهبودی، به آگاه کردن ماکیان ها می پردازد. خروس شجاع راه کلاغ را ادامه می دهد و بر سر آن جان می بازد. هنگامی که کشور ماکیان دچار تحولاتی می شود، شغال شاه از بین می رود و زندگی شادی آغاز می شود» (میر عابدینی، 1377: 180).

## 5-5- جلال آل احمد

جلال آل احمد در داستانی با عنوان سرگذشت کندوها، با نگاهی تمثیلی به توصیف زندگی زنبورهای عسل پرداخته است. کمند علی بک بی هیچ زحمت و کوششی از شیر ی جان زنبورها بهره برداری می کند، و زنبورها به نشان اعتراض به وضع موجود، چاره ای جز این نمی بینند که به سرزمین دیگری کوچ کنند.

## 5-6- نادر ابراهیمی

نادر ابراهیمی می کوشد با انسانی کردن اشیاء و حیوانات، مفهومی اجتماعی به آثار خود ببخشد. ابراهیمی در فابل های خود، از ورای کنایه هایی درباره ی حیوانات، به توصیف شرارت های اجتماعی می پردازد. در داستان «خانواده ی بزرگ»، پرنده ای اسیر قفس، زندگی اش را برای مرگی تعریف می کند، که به زودی ذبح می شود. داستان «دشنام» ماجرای سنجابی است که به خاطر دشنام دادن به شیر، از جنگل رانده می شود، و هیچ جا پناهی نمی یابد؛ تا عاقبت زیر چرخ گاری می رود و می میرد. در داستان «کبوتر چاهی به خانه ای برگردد»، کبوتری که به دنبال جفتش همه جا را می گردد، او را با کبوتر دیگری در حال پرواز می یابد؛ کبوتر نومید، تن خسته ی خود را تسلیم باد می کند.

## 5-7- ایرج پزشک نیا

از دیگر کسانی که به فابل نویسی توجه داشت، ایرج پزشک نیا است، که چند افسانه ی زیبا از دیدگاه حیوانات می نویسد. وی در داستان های «خرگوش ها» و «پرواز»، زندگی را به صورت شکارگاه پر خطری توصیف می کند. که در آن قوی ترها در انتظار شکار ضعیفان به سر می برند. «خرگوش ها» از دید دو خرگوش کوچک روایت می شود پزشک نیا در صحنه ای زیبا و عاطفی، نفرت خود را از شکار نشان می دهد.

در داستان «پرواز» قناری که از قفس آزاد شده است، با شادی به پرواز در می آید؛ تا شب می شود، خسته و ترسان، در تاریکی پناهی نمی یابد. می خواهد بر بامی بنشیند، اما از گربه می ترسد؛ عاقبت در حالی که آرزوی بازگشت به قفس را دارد، خود را به باد می سپارد.

## 5-8-سیمین دانشور

در فصل هایی از رمان سووشون، سیمین دانشور به گوشه ای از دوستی و ارتباط بین انسان با اسب می پردازد؛ هر چند صحنه های آن گذرا و کم رنگ است، اما حادثه هایی است که در زمینه چینی و گسترش رمان نقش دارد. وقتی یوسف به ده رفته، از خانه ی حاکم می آیند تا اسب خسرو - پسر یوسف به ده رفته، از خانه ی حاکم می آیند تا اسب خسرو- پسر یوسف- را برای دختر حاکم برای چند روزی به امانت ببرند. زری از سر ناچاری، بی آنکه پسرش بویی ببرد، اسب ( سحر) را به فرستاده ی حاکم می دهد. وقتی خسرو از شکار باز می گردد، ابتدا سراغ اسبش را می گیرد به او می گویند: سحر به خاطر بیماری مرده. خسرو به هق هق می افتد و می گوید: «آخر چطور ممکن است؟ هیچ کره ای در دنیا جای سحر را برای من نمی گیرد. خسرو بر بالای سر قبر ساختگی اسبش، با حضور هم کلاسی هایش ختم مردانه ای می گیرد؛ تا این که یک روز حیوان در حالی که دختر حاکم را بر خود سوار دارد، با پای خود برمی گردد. خسرو اسبش را بر بالای تپه ای می بیند، و آن را دوباره به دست می آورد. توصیف پایانی رام کردن اسب به دست خسرو، در حالی که افسرها از مهار کردن آن عاجزند، چنین است:

«خسرو نزدیکی های قله رسیده بود. سوت کشید، از همان سوت هایی که معمولاً با دوانگشت به دهان برای سحر می کشید و سحر هر کجای باغ که بود، به طرفش می آمد و آستین هایش را بو می کرد. جمعیت ناگهان خاموش شد. زری به شوهرش نگاه کرد. تمام صورت یوسف، با لبخندی روشن شده بود، و ستاره های چشم های سبزش می درخشید. خسرو باز سوت کشید. سروکله سحر پیدا شد، که به چپ و راست سر می گردانید.

خسرو داد زد: « سحر من اینجایم»، و داد زد: « بچه نترس، پرتت نمی کند. جمعیت چنان خاموش بود که انگار نه سحر رمیده ای بوده و نه سوار ترسیده ای. سحر شیهه ای کشید و آمد و آمد، تا به خسرو رسید و ایستاد، و مثل یک گربه ی دست آموز در برابرش رام، سرش را خم کرد. » ( دانشور، 1357: 145)

## 5-9-محمود دولت آبادی

محمود دولت آبادی در جالی خالی سلوچ، صحنه ای از جدال انسان با حیوان مست را به نمایش می گذارد، که می توان آن را یکی از صحنه های زیبا و یاد ماندنی این رمان دانست. عباس پسر مرگان به

شتربانی می پردازد، و شترهای سردار را به صحرا می برد. روزی در صحرا لوک سیاه به ارونه ی پیر می پیچد، و عباس با ضربه های چوب به شانه و پاچه و گیجگاه لوک، آن را از شتر پیر جدا می کند. شتر مست کینه ی عباس را به دل می گیرد، و در فرصتی سر به دنبال او می گذارد. عباس از ترس، پیش از آنکه زیر دست و پای لوک له شود، خودش را به درون چاهی می اندازد. اما شتر ول کن نیست، و همانجا لب چاه می ایستد و خشم ناله سر می دهد. وقتی عباس به هوش می آید، شب شده است و می بیند که شتر مست، همچنان بی قرار و کف بر لب بر سر چاه نشسته است. چند لحظه بعد احساس می کند که ماری به سمت او پیش می آید. مار، نرم نرم از روی زانو، شکم، و سینه و شانه و گردنش به بالا می خزد، و عباس از فرط وحشت یکباره تمامی موهایش سفید می شود، و اگر چه زنده می ماند، اما دیگر شبیه به آدم های زنده نیست ( دولت آبادی، 1374: 246-260).

## 5-10- صادق چوبک

اما یکی از مهم ترین داستان نویسان معاصر، که با نگاهی ویژه به حیوانات می پردازد، صادق چوبک است. حیواناتی چون اسب در داستان «عدل»، میمون در «انتری که لوطی اش مرده بود»، توله سگ ها در «یک شب بی خوابی»، سگ ماده در «مردی در قفس»، گربه در «بچه گربه ای که چشمانش باز نشده بود»، کفتر در «کفتر باز»، کلاغ در «اسائه ادب»، مرغ و خروس در «قفس»، موش در «پاچه خیزک»، عنکبوت در «سنگ صبور»، و گاو و بز و یک سگ گرسنه در بخش هایی از داستان بلند «تنگسیر». البته سبک و شیوه ی صادق چوبک از نوع فابل نویسی نیست، مگر در داستان های تمثیلی «اسائه ادب» و «همراه»، که داستان همراه به دو شیوه، یک بار به زبان شیوا و دیگر بار به زبان عامیانه نوشته شده است. حضور حیوانات در داستان های چوبک به دو گونه دیده می شود: یک دسته داستان هایی است که محوریت با حیوان است، و طرح قصه پیرامون یک حیوان جریان دارد. داستان هایی چون «عدل» که تصویر اسب دست و پا شکسته ای است، که با تمام درد و ناله در جوی آب افتاده؛ یا «انتری که لوطی اش مرده بود.» که سرگذشت میمون درمانده و آواره ای است که صاحبش لوطی جهان مرده، و در بند زنجیر و جبر زندگی است؛ یا داستان «قفس» که حال و روز مرغ و خروس هایی است که در تنگنای قفس و در لجن و کثافت فرو رفته اند؛ هم چنین داستان «بچه گربه ای که چشمانش باز نشده بود» که محور داستان بر روی بچه گربه ای است، که در گودالی افتاده و پسر بچه ای در فکر بیرون آوردن آن است؛ نیز داستان «پاچه خیزک» که بر محور موشی گرفتار در تله است، وعده ای گرداگرد آن جمع شده اند تا با کشتن موش، تفریحی برای خود بسازند.

دسته ی دوم داستان هایی است که حیوان در کنار یک انسان ترسیم می شود، و معمولاً در این داستان ها یک علقه و وابستگی غریبانه ای بین انسان و حیوان مشاهده می شود. آدم هیای که اغلب از همه جا مانده و از جامعه رانده شده اند، و در بدبختی و فلک زدگی زندگی می کنند، دلخوشی و وابستگی خود را در کنار حیوانی به مراتب بدتر و مفلوک تر از خود می بینند. در داستان «یک شب بی خوابی»، مردی پریشان خواب و بی حال و بیمار، در غم و فکر توله سگ هایی است که مادرشان به زیر ماشین رفته و مرده، یا داستان «مردی در قفس» که تصویر روحیه ی مردی است گوشه گیر و علیل، که در غم تنهایی خود فرو رفته و تنها تعلق خاطر و دلبستگی اش به ماده سگی است به نام «راسو». همچنین در رمان سنگ صبور احمد آقا، روشنفکر سرخورده و معلم بی چیز و بیچاره ای است که با عنکبوت گوشه ی اطاقش درد دل می کند. در بخش هایی از رمان تنگسیر، زارمحمد با گاو یاغی سکینه، و یا سگ تیپاخورده ی گرسنه ای اُنس می گیرد، و غصه ها و دل پری هایش را با این حیوانات واگو می کند. باز در داستان «آتما سگ من»، مردی عزلت گزیده و بیزار از اطراف خود، به ناخواست صاحب سگی می شود که خلوت خاموش او را به درونی آشفته و خیال باف بدل می کند. یا در داستان «عمرکشون» مهدی گو، که پسر خُل و سبک عقلی است، و مدام مردم سر به سرش می گذارند، تنها یار و یاور بچه گربه ها و توله سگ های مردنی است. و در داستان «کفتر باز» دایی شکری حیوان دوستی است که تمام دلخوشی و زندگی اش به انواع کبوترهای معیری، چتری، همدانی، یاهو و رسمی معطوف است.

شاید بتوان گفت هیچ نویسنده ای در ایران به اندازه ی صادق چوبک حیوانات را در داستان هایش راه نداده، و به روانکاوی آن ها پرداخته است. البته روانکاوی و ورود به پهنه ی روان شناسی حیوانات، همیشه جالب و محرک کنجکاوی انسان بوده، و در قلمرو آثار ادبی همیشه مورد توجه نویسندگان قرار داشته است؛ ولی چوبک یکی از شاخص ترین و تواناترین نویسندگان در کار روانکاوی حیوانات است. اگر چه، چند چهره ی ادبیات ایران در خصوص حیوان شناسی و راه یابی حیوانات در آثارشان، می توانند در کنار چوبک قرار بگیرند؛ از جمله صادق هدایت و شهریار مندنی پور، که توجه نسبتاً بیشتری به حیوانات کرده اند.

## 6- کارتون های تلوزیونی

کارتون هایی چون پلنگ صورتی ( محصول آمریکا، 1962 تا حال حاضر)، بامزی، قوی ترین و مهربان ترین خرس دنیا ( محصول سوئد 1966 تا 1990)، تام و جری ( محصول متروگلدوین مایر و کمپانی های دیگر، از 1940 تا حال حاضر)، بنر (داستان سنجاب خاکستری، محصول نیپون ژاپن 1979)، پسر شجاع ( محصول ژاپن 1976)، رامکال ( محصول ژاپن 1977)، که همزیستی انسان و حیوان را نشان می دهد، بل و سباستین ( محصول ژاپن 1981)، ماجراهای پینوکیو (محصول نیپون ژاپن 1976)، رابین هود ( محصول



امریکا 1973)، دهکده ی حیوانات (محصول نیپون ژاپن 1979)، گوریل انگوری ( محصول آمریکا 1975)، سفید برفی و هفت کوتوله ( محصول 1973)، داستان اسباب باری (محصول 1995)، شیر شاه ( محصول 1994)، شرک (محصول 2001)، بتمن ( محصول 1995-1992) و کارتون های فراوان دیگری که از خاطره انگیزترین و جذاب ترین فابل های کارتونی هستند.

از میان تولیدات ایرانی می توان از شهر موش ها، مدرسه ی موش ها، و خونه ی مادر بزرگه یاد کرد، که از فیلم های موفق عروسکی است که حیوانات در آن نقش محوری دارند، و در یاد و خاطره ی بسیاری از کودکان سال های نه چندان دور باقی مانده است.

## 7- نتیجه گیری

با توجه به آثار بیان شده از نویسندگان ، داستان سرایان و شاعران ادبیات کهن و نو فارسی در خصوص هویت اجتماعی دادن به حیوانات ، می توان به این نتیجه رسید که ، استفاده از نام و نقش حیوانات در داستان ها به دلایل ذیل می باشد:

الف-زیبایی بخشیدن به آثار

ب- بیان انتقادات خود از افراد قدرتمند جامعه در پوشش نقش حیوانات

ج-سود بردن از برخی صنایع ادبی مانند تمثیل

د- طنز آمیز نمودن داستان ها

ه- ایجاد نشاط و تفنن در داستان ها برای خوانندگان بخصوص کودکان و نوجوانان.

## 8- کتابنامه:

1- آل احمد، جلال، 1360، سرگذشت کندوها، تهران: رواق.

2- ازوپ، 1373، افسانه های ازوپ، ترجمه ی علی اصغر حلبی. تهران: اساطیر.

3- انوشه، حسن، 1376، دانشنامه ی ادب فارسی. 2. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

4- اولیایی نیا، هلن، 1379، داستان کوتاه در آئینه ی نقد چاپ اول، اصفهان: فردا.

5- بابا مقدم، رضا، 1348، اسب. چاپ اول، تهران: صفی علیشاه.

6- پور مقدم، یارعلی 1380، یادداشت های یک اسب. چاپ اول، تهران: آرویج.

- 7- پور نامداریان، تقی، 1375، رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- 8- تقوی، محمد، 1376، حکایت های حیوانات در ادب فارسی، چاپ اول، تهران: روزنه.
- 9- جوادی، حسن، 1384، طنز در ادبیات فارسی. تهران: کاروان.
- 10- چوبک، صادق، 1351، خیمه شب بازی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات جاویدان.
- 11- \_\_\_\_\_، 1344، انتری که لوطیش مرده بود. چاپ سوم، تهران: انتشارات جاویدان.
- 12- \_\_\_\_\_، 1345، روز اول قبر. چاپ پنجم، تهران: جاویدان.
- 13- \_\_\_\_\_، 1344، چراغ آخر. چاپ اول، تهران: جاویدان.
- 14- \_\_\_\_\_، 1377، تنگسیر، چاپ ششم، تهران: جاویدان.
- 15- \_\_\_\_\_، 1356، سنگ صبور، چاپ پنجم، تهران: جاویدان.
- 16- \_\_\_\_\_، 1382، تنگسیر، با مقدمه و ویرایش کاوه گوهرین. چاپ اول، تهران: نگاه.
- 17- \_\_\_\_\_، انتری که لوطیش مرده بود و چند داستان دیگر. به انتخاب کاوه گوهرین، چاپ اول، تهران: آزاد مهر.
- 18- خاقانی شروانی، 1377، گزیده ی اشعار خاقانی. به کوشش ضیاء ادلین سجادی، چاپ هفتم، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- 19- دانشور، سیمین، 1357، سووشون. چاپ نهم، تهران: خوارزمی.
- 20- درویشیان، علی اشرف، 1379، یادمان صمد بهرنگی، تهران: کتاب و فرهنگ.
- 21- دولت آبادی، محمود، 1374، جالی خالی سلوچ. چاپ دوم، تهران: چشمه.
- 22- دهباشی، علی، 1380، یاد چوبک. چاپ اول، تهران: ثالث.
- 23- ساعدی، غلامحسین، 1356، عزاداران بیل. چاپ یازدهم، تهران: آگاه.
- 24- عطار نیشابوری، فرید الدین، 1370، منطق الطیر. به اهتمام سید صادق گوهرین. چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- 25- قاسم زاده، محمد، 1380، شهر هشتم، چاپ اول، تهران: کاروان.
- 26- گلستان، ابراهیم، 1384، خروس. چاپ اول، تهران: اختران.
- 27- گلشیری، هوشنگ، 1382، نیمه ی تاریک ماه. چاپ دوم، تهران: نیلوفر
- 28- گوهرین، کاوه، 1374، «نقش وحوش و جانداران در آیینه ی کلام عطار. « بینالود ( ویژه ی عطار نیشابوری). ش 9، پاییز 1374.
- 29- مدرس صادقی، جعفر، 1375، قصه های شیخ اشراق، چاپ اول، تهران: مرکز.
- 30- مندنی پور، شهریار، 1368، سایه های غار، چاپ اول، شیراز: نوید شیراز.
- 31- -----، 1375، مومیا و غسل. چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- 32- -----، 1376، ماه نیمروز. چاپ اول، تهران: مرکز.
- 33- -----، میر صادقی، جمال، 1379، ادبیات داستانی. چاپ دوم، تهران، سخن.
- 34- میر عابدینی، حسن، 1377، صد سال داستان نویسی. دوره ی چهار جلدی، تهران: چشمه.
- 35- -----، 1384، هفتاد سال داستان کوتاه ایرانی. چاپ اول، تهران: کتاب خورشید.
- 36- نجدی، بیژن، 1380، یوزپلنگانی که با من دویده اند. چاپ سوم، تهران: مرکز.
- 37- نجفی، ابوالحسن، 1378، فرهنگ لغات عامیانه، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- 38- نصرالله منشی، 1374، کلیده و دمنه. به تصحیح مجتبی مینوی. چاپ سیزدهم، تهران: امیر کبیر.
- 39- هدایت، صادق، 1342، سگ ولگرد. چاپ هفتم، تهران: امیر کبیر.
- 40- -----، 1344، سه قطره خون. چاپ هشتم، تهران: کتاب های پرستو.
- 41- -----، 1383، نوشته های پراکنده. گردآوری حسن قائمیان، تهران: جامه داران.